

## بررسی کاربرد زبان‌های مازندرانی و فارسی در شهر جویبار

احمد رمضانی\*

آتوسا رستم‌بیک نفرشی\*\*، خدیجه واسو جویباری\*\*\*

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی کاربرد زبان‌های فارسی و مازندرانی در بافت‌های تعاملی مختلف در میان گویش‌وران مازندرانی شهر جویبار است. پرسش اصلی این است که کاربرد زبان مازندرانی و فارسی، با توجه به متغیرهای سن و جنسیت در بافت‌های مختلف اجتماعی، چه تفاوت‌هایی دارند. نمونه آماری پژوهش حاضر ۱۰۰ گویش‌ور جویباری (۵۰ مرد و ۵۰ زن) می‌باشند که خود به دو گروه ۲۵ نفره، والدین (میانگین سنی ۳۹ سال) و فرزندان (میانگین سنی ۱۶ سال)، تقسیم و به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته در سال ۱۳۸۸ گردآوری شده و از آزمون‌های آماری غیرپارامتریک «کولموگورف - اسمیرنوف» و «خی‌دو» برای مقایسه استفاده شده است. بررسی پاسخ‌های ارائه‌شده نشان می‌دهد که به طور کلی گرایش به کاربرد زبان فارسی در میان مادران بیش‌تر از پدران و در میان دختران بیش‌تر از پسران است. بررسی تأثیر متغیر جنسیت در مجموع داده‌ها با استفاده از آزمون آماری خی‌دو نشان می‌دهد که تفاوت بین مردان و زنان در کاربرد زبان فارسی و مازندرانی در سطح  $P \leq 0/001$  است. تفاوت کاربرد فارسی و مازندرانی بین والدین و فرزندان در سطح  $P \leq 0/001$  معنادار است. در نمونه مورد بررسی در این پژوهش، تأثیر بافت بر کاربرد زبان معنادار نیست.

**کلیدواژه‌ها:** زبان مازندرانی، زبان فارسی، بافت اجتماعی، جنسیت، شهر جویبار، کاربرد زبان.

\* استادیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (نویسنده مسئول) ahmaderamezani@yahoo.com

\*\* استادیار پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی atoosa.rostambeik@gmail.com

\*\*\* کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهرا vasoo52@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۸

## ۱. مقدمه

تنوع قومی، فرهنگی، و زبانی یک کشور سرمایه و میراث ارزش‌مندی است که سرزمین پهناور ایران نیز به آن آراسته است. این ویژگی نه تنها از جنبه اجتماعی حائز اهمیت است بلکه انگیزه بسیاری از پژوهش‌های گویش‌شناختی و زبان‌شناختی نیز می‌باشد. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر گرایش به شهرنشینی، از یک سو، و وجود رسانه‌های جمعی و مهاجرت، از سوی دیگر، بر تنوع فرهنگی و به‌ویژه زبانی مناطق گوناگون ایران بی‌تأثیر نبوده است. این موضوع ضرورت پژوهش‌هایی را خاطر نشان می‌کند که روند چنین تغییراتی را در اقوام مختلف و نواحی مختلف مورد بررسی قرار دهد. با توجه به چنین ضرورتی، در پژوهش حاضر وضعیت زبانی در شهر جویبار واقع در استان مازندران بررسی شده است تا مشخص شود زبان‌های مازندرانی و فارسی در میان گویش‌وران شهر جویبار از چه جای‌گاهی برخوردارند و چه تفاوتی میان گویش‌وران نوجوان و میان‌سال، از یک سو، و زن و مرد، از سوی دیگر، در کاربرد این زبان‌ها در بافت‌های مختلف اجتماعی مشاهده می‌شود.

مازندرانی (یا طبری) به شاخه غربی زبان‌های ایرانی تعلق دارد و با کردی، زازا، بلوچی و گویش‌های مرکزی ایران رابطه خوهری دارد (Payne, 1992: 230-232). تعداد گویندگان این زبان طبق سرشماری ۱۳۷۵ حدود ۴/۷ درصد جمعیت ایران یعنی ۳/۲۶۵/۰۰۰ نفر بوده است (Lewis, 2009). از میان زبان‌های زنده ایرانی، مازندرانی سنت نوشتاری بس دیرینه دارد (چهارم تا نهم هجری قمری) که به دوره طولانی فرمان‌روایی مستقل و نیمه‌مستقل حاکمان استانی، در قرون بعد از حمله اعراب به ایران، برمی‌گردد. در این دوره آثار قابل توجهی به زبان مازندرانی نگارش شدند که همه، به غیر از برخی نوشته‌های به‌جامانده در آثار فارسی، از بین رفتند. محدوده جغرافیایی زبان مازندرانی تقریباً در هزاره گذشته تغییری نکرده است، اما کاربرد مازندرانی کاهش یافته است (Borjian, 2005: 66) و امروزه تحت تأثیر زبان فارسی، رسانه‌های جمعی، تغییر بافت منطقه، اجرای طرح‌های صنعتی و غیره، گونه‌های زبانی مختلفی در این منطقه مشاهده می‌شود (شکری، ۱۳۷۴: ۱۳-۱۴).

در نهایت، هم‌گرایی زبان مازندرانی با فارسی معیار نیز می‌تواند به تغییر یا زوال گویشی منجر شود. تجددگرایی و برخی سیاست‌های فرهنگی نادرست و قضاوت‌های ارزشی غیرعلمی مردم از جمله عوامل دیگر تغییر موقعیت این زبان است. در هر حال، در صد سال اخیر اهرم‌ها و فرایندهای تجددگرایی مانند آموزش یک‌زبانه، رسانه‌های یک‌زبانه، شهرنشینی و مهاجرت دلایل عینی و ملموس هم‌گرایی زبان‌ها و گویش‌ها بوده‌اند و هستند.

به طور کلی این عوامل موجب شده است که برای گویش‌های غیررسمی هیچ‌گونه کارکرد اجتماعی در نظر گرفته نشود و مسلماً هر زبانی که کارکرد اجتماعی نداشته باشد محکوم به زوال است (عموزاده، ۱۳۸۱: ۱۴۰). این موضوع در پژوهش‌های بسیاری به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر تغییر زبان معرفی شده است که از جمله می‌توان به عموزاده (۱۳۸۱)، فخرروحانی (۱۳۷۵)، چایلدز و هم‌کاران (Childs et al., 2007) و کرسویل (kerswill, 2006) اشاره کرد.

جامعه‌شناسان زبان، زبان را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند و به تأثیر عوامل اجتماعی بر آن اعتقاد دارند. یکی از این عوامل اجتماعی جنسیت است. تفاوت در شیوه کاربرد زبان در میان مردان و زنان همواره مورد توجه پژوهش‌گران بوده است. مثلاً، نیومن و هم‌کاران (Newman et al., 2008: 211-212) نتیجه گرفته‌اند که زنان و مردان در نوع واژه‌هایی که در گفتارشان از آن‌ها استفاده می‌کنند با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. لیکاف (Lakoff, 1975; 1973: 45) عناصر زبانی‌ای را در گفتار زنان بر می‌شمارد که، به اعتقاد وی، نشان‌دهنده نداشتن اعتماد به نفس و قاطعیت در نزد آنان است و به این نکته اشاره می‌کند که زنان، در مقایسه با مردان، از صورت‌های زبانی مؤدبانه‌تری استفاده می‌کنند. مدرسی (۱۳۶۸: ۱۶۹-۱۷۰) با اشاره به مطالعات انجام شده می‌گوید که به طور کلی زنان نسبت به رفتار اجتماعی خویش بیش از مردان حساسیت دارند و همین حساسیت باعث شده است تا از صورت‌های جدید و غیرمعتبر کم‌تر استفاده کنند. فیشر (Fisher, 1985: 49-50) نشان داده است که کاربرد [ing] و [in] برای واژه‌های مختوم به "ing"، در زبان انگلیسی، در بین پسران و دختران به عواملی چون سن، جنسیت، طبقه اجتماعی و میزان رسمی بودن بافت گفت و گو مرتبط است و دختران در استفاده از صورت صحیح و با اعتبار حساس‌ترند. این نتیجه‌گیری با الگوی جنس - اعتبار حاصل از پژوهش ترادگیل (Trudgill, 1972) و نیز پژوهش لباو (Labov, 1988) هم‌خوانی دارد. در پژوهش ترادگیل (1976: 125) نیز دیده می‌شود که، بعد از آموزش گونه معیار به دختران و پسران، گفتار دختران به مراتب بیش‌تر از پسران به گونه معیار نزدیک شده است و عبارات فعلی غیرمعیار در مکالماتشان کم‌تر دیده می‌شود. البته، در برخی از پژوهش‌ها، تفاوتی بین گفتار زنان و مردان گزارش نشده است، از جمله نعمتی و بایر (Nemati and Bayer, 2007: 195) و امام (۱۳۷۷: ۱۱).

ذوالفقاری (۱۳۷۶) میزان کاربرد زبان فارسی و گویش بختیاری را در شهر مسجد سلیمان بررسی کرده و نتیجه گرفته است که مؤلفه‌هایی چون سن، جنسیت، شغل و

تحصیلات در کاربرد گویش محلی و زبان رسمی تأثیرگذار است و زبان فارسی، در موقعیت‌های مختلف، در بین جوانان بیش از بزرگسالان و در بین دختران بیش از پسران کاربرد دارد. علاوه بر این، کاربرد گویش بختیاری در مراسم و موقعیت‌های غیر رسمی بیش‌تر از موقعیت‌های رسمی است. به طور کلی، کاربرد زبان فارسی در موقعیت‌های مختلف و نیز آموزش آن به فرزندان در مسجد سلیمان رو به فزونی است و کاربرد گویش بختیاری رو به کاهش است. بشیرنژاد (۱۳۷۹) با بررسی کاربرد فارسی و مازندرانی در میان دانش‌آموزان و معلمان شهرستان آمل نتیجه گرفته است که سن، جنسیت، تحصیلات و طبقه اجتماعی در کاربرد زبان فارسی در حوزه‌های مختلف مؤثرند. فرایند تغییر زبانی در نمونه مورد بررسی وی، تمایل به حذف زبان مازندرانی را نشان می‌دهد و زبان رسمی، حتی در موقعیت‌های غیر رسمی مانند کوچه و بازار و خانواده، به تدریج جانشین زبان محلی می‌شود. از سوی دیگر، در همه موارد، افراد جوان بیش از بزرگسالان و زنان و دختران بیش از مردان و پسران به زبان فارسی صحبت می‌کنند. مشایخ (۱۳۸۱)، با بررسی حوزه‌های کاربردی دو زبان فارسی و گیلکی، نتیجه می‌گیرد که، به طور کلی، والدین فرزندان خود را به یادگیری زبان فارسی تشویق می‌کنند و ۸۸٪ فرزندان نیز گفته‌اند که، در آینده، آن‌ها نیز فرزندان‌شان را به یادگیری زبان فارسی تشویق می‌کنند. رجب‌زاده (۱۳۸۳) تداخل زبان فارسی، مازندرانی و ترکی را در شهر گلوگاه بررسی کرده است. نمونه آماری وی ۴۰۰ گویش‌ور از شهرستان گلوگاه بودند. وی نتیجه گرفت گرایش به استفاده از ترکی و مازندرانی نسبت به زبان فارسی در منطقه گلوگاه کم‌تر شده است. بشیرنژاد (۱۳۸۳: ۷۸) با بررسی کاربرد زبان کردی در شهرهای سنندج و کرمانشاه نتیجه گرفته است کاربرد زبان فارسی در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در خانواده، روز به روز گسترش می‌یابد و کاربرد زبان کردی رو به کاهش است.

## ۲. روش تحقیق

جامعه آماری پژوهش حاضر گویش‌وران دوزبانه مازندرانی - فارسی ساکن شهرستان جویبارند. نمونه آماری پژوهش حاضر ۱۰۰ گویش‌ور جویباری (۵۰ نفر مرد و ۵۰ نفر زن) می‌باشند که خود به دو گروه ۲۵ نفره والدین (بین ۳۰ تا ۵۵ سال با میانگین سنی ۳۹ سال) و فرزندان (بین ۱۲ تا ۱۹ سال با میانگین سنی ۱۶ سال) تقسیم می‌شوند که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند. حدود ۲۴ درصد از والدین دارای تحصیلات دانشگاهی، ۳۰ درصد دبیرستان و دیپلم، و بقیه دارای تحصیلات پایین‌تر یا بی‌سواد بودند

(← جدول ۱). ۶ درصد از فرزندان دارای تحصیلات دانشگاهی، ۵۰ درصد دبیرستان و دیپلم و ۴۴ درصد از فرزندان در مقطع راهنمایی (۱۴ دختر و ۸ پسر) مشغول به تحصیل بودند (← جداول ۲ و ۳).

جدول ۱. توزیع فراوانی آزمودنی‌های گروه اول (والدین) به تفکیک سطح تحصیلات و جنسیت

درصد فراوانی نسبی	فراوانی		شاخص آماری سطح تحصیلات
	مرد	زن	
٪۴۶	۱۴	۹	بی سواد/ ابتدایی / راهنمایی
٪۳۰	۷	۸	دبیرستان و دیپلم
٪۲۴	۴	۸	دانشگاهی
٪۱۰۰	۲۵	۲۵	جمع

جدول ۲. توزیع فراوانی آزمودنی‌های گروه دوم (فرزندان) به تفکیک سطح تحصیلات و جنسیت

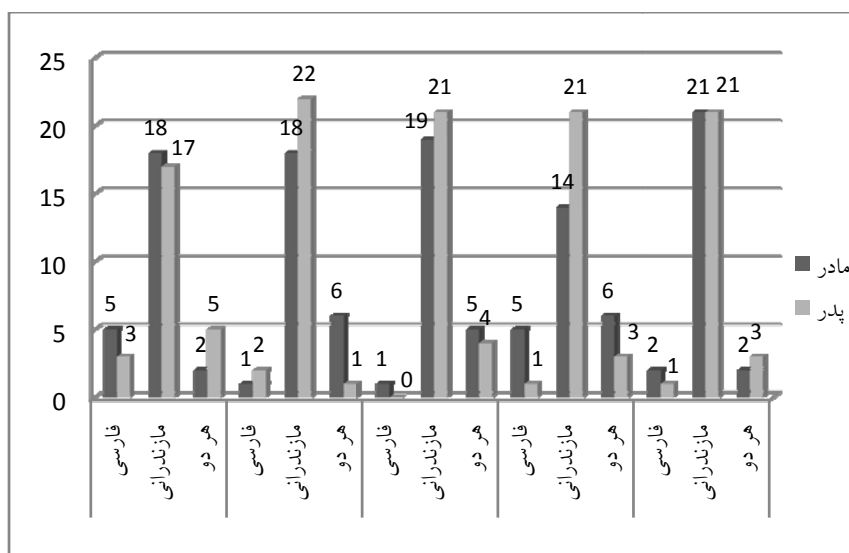
درصد فراوانی نسبی	فراوانی		شاخص آماری سطح تحصیلات
	پسر	دختر	
٪۴۴	۸	۱۴	راهنمایی
٪۵۰	۱۶	۹	دبیرستان و دیپلم
٪۶	۱	۲	دانشگاهی
٪۱۰۰	۲۵	۲۵	جمع

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شد. گویه‌ها با هدف بررسی زبان تعامل (به فارسی، مازندرانی یا هر دو) طراحی شدند و روایی محتوایی پرسش‌نامه مورد تأیید متخصصان قرار گرفت. پرسش‌نامه شامل ۱۷ گویه برای هر یک از دو گروه والدین و فرزندان بود. آزمون‌گر گویه‌ها را از آزمودنی پرسیده و پاسخ را ثبت کرده است. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف، Kolmogorov-Smirnov) استفاده شده است.

### ۳. توصیف و تحلیل داده‌ها

به منظور بررسی میزان کاربرد زبان‌های فارسی و مازندرانی از آزمودنی‌ها خواسته شد، با در نظر گرفتن پنج بافت اجتماعی مختلف، مشخص نمایند که در آن شرایط برای برقراری ارتباط و تعامل از کدام زبان (فارسی، مازندرانی یا هر دو) استفاده می‌کنند. بافت‌های تعاملی

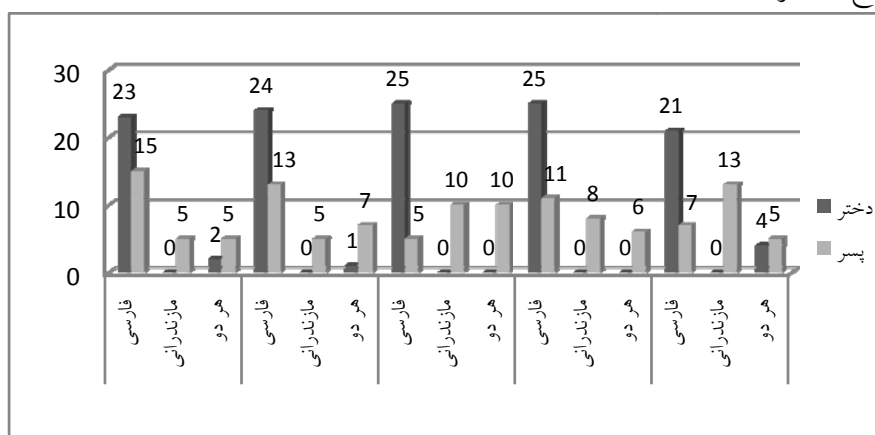
اجتماعی مورد بررسی عبارت‌اند از: خانه، جمع بستگان، جمع دوستان، صاحبان مشاغل محلی، و افراد غریبه.



نمودار ۱. فراوانی پاسخ‌های والدین در مورد زبان تعامل در بافت‌های مختلف به تفکیک جنسیت

همان‌گونه که در نمودار ۱ مشهود است، گروه والدین زبان مازندرانی را بیش‌تر از زبان فارسی در بافت‌های اجتماعی مختلف به کار می‌برند. حدود ۱۸ نفر از مادران و ۱۷ نفر از پدران بیان کرده‌اند که در خانه از زبان مازندرانی استفاده می‌کنند و تنها ۵ نفر از مادران و ۳ نفر از پدران فارسی را به عنوان زبان تعامل معرفی کرده‌اند. در جمع بستگان، کاربرد زبان فارسی، مازندرانی یا هر دو از سوی مادران به ترتیب ۱، ۱۸ و ۶ و پدران ۲، ۲۲ و ۱ ذکر شده است. در تعامل با دوستان، ۱۹ نفر از مادران و ۲۱ نفر از پدران زبان مازندرانی را به عنوان زبان تعامل معرفی کرده‌اند. تنها ۱ نفر از گروه مادران به زبان فارسی و سایر افراد به استفاده از هر دو زبان اشاره کرده‌اند. در تعامل با صاحبان مشاغل، ۱۴ نفر از مادران و ۲۱ نفر از پدران زبان مازندرانی را و تنها ۵ نفر از مادران و ۱ نفر از پدران فارسی را به عنوان زبان تعامل مشخص کرده‌اند. بیش‌ترین مورد اختلاف بین فراوانی پاسخ‌های مادران و پدران در تعامل با صاحبان مشاغل محلی به چشم می‌خورد. در نهایت، در بافت پنجم، یعنی افراد غریبه در هر دو گروه مادران و پدران، ۲۱ نفر زبان مازندرانی را زبان تعامل معرفی کرده‌اند. به طور کلی، در بافت‌های مختلف، مادران بیش‌تر از پدران گزینه هر دو زبان را انتخاب کرده‌اند (مادران: ۲۰ مورد و پدران: ۱۶ مورد).

پرسش‌های مشابهی برای گروه دوم (فرزندان) نیز مطرح شد تا مشخص شود که، در هر یک از پنج بافت مورد نظر، آنان کدام زبان را به کار می‌برند. نتایج نشان می‌دهد دختران در هر پنج بافت مورد نظر به طور قابل ملاحظه‌ای بیش‌تر زبان فارسی را زبان تعامل معرفی کرده‌اند. در هیچ‌یک از این بافت‌ها، دختران گزینه صرفاً زبان مازندرانی را انتخاب نکرده‌اند و تنها تعداد اندکی از پاسخ‌ها حکایت از کاربرد هر دو زبان دارد. در نمودار ۲ فراوانی پاسخ‌های فرزندان به تفکیک جنسیت نشان داده شده است.



نمودار ۲. فراوانی پاسخ‌های فرزندان در مورد زبان تعامل در بافت‌های مختلف به تفکیک جنسیت

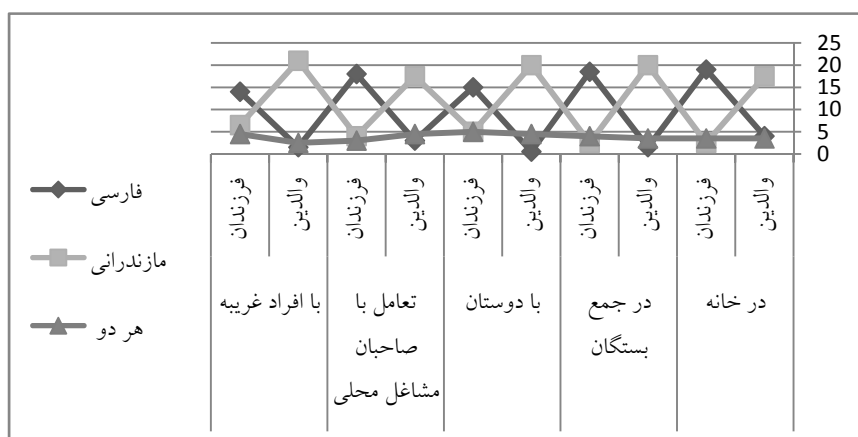
در جدول ۳، فراوانی و درصد پاسخ‌های هر گروه به طور خلاصه آمده است. برای مقایسه کاربرد زبان با توجه به متغیر جنسیت، پاسخ‌های دختران و مادران، به عنوان گروه زنان، و پاسخ‌های پسران و پدران، به عنوان گروه مردان، نیز در جدول ارائه شده است.

جدول ۳. فراوانی و درصد پاسخ‌های والدین و فرزندان دربارهٔ زبان تعامل در بافت‌های مختلف

آزمودنی‌ها	فارسی		مازندرانی		هر دو	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پسر	۵۱	٪۴۰/۸	۴۱	٪۳۲/۸	۳۳	٪۲۶/۴
دختر	۱۱۸	٪۹۴/۴	۰	۰	۷	٪۵/۶
فرزندان	۱۶۹	٪۶۷/۶	۴۱	٪۱۶/۴	۴۰	٪۱۶
پدر	۷	٪۵/۶	۱۰۲	٪۸۱/۶	۱۶	٪۱۲/۸
مادر	۱۴	٪۱۱/۲	۹۰	٪۷۲	۲۱	٪۱۶/۸
والدین	۲۱	٪۸/۴	۱۹۲	٪۷۶/۸	۳۷	٪۱۴/۸
مردان (پسران و پدران)	۵۸	٪۲۳/۲	۱۴۳	٪۵۷/۲	۴۹	٪۱۹/۶
زنان (دختران و مادران)	۱۳۲	٪۵۲/۸	۹۰	٪۳۶	۲۸	٪۱۱/۲

### ۱.۳ تأثیر متغیر سن بر کاربرد زبان‌های فارسی، مازندرانی و هر دو زبان

مقایسه درصد فراوانی کاربرد زبان‌های فارسی و مازندرانی به منظور تعامل در بافت‌های اجتماعی مختلف توسط والدین و فرزندان نشان می‌دهد که ۶۷/۶٪ درصد از فرزندان و ۸/۴٪ والدین در تعاملاتشان از زبان فارسی استفاده می‌کنند. هم‌چنین ۱۶/۴٪ از فرزندان از زبان مازندرانی و ۱۶٪ نیز کاربرد هر دو زبان را گزارش کرده‌اند. در حالی که، در گروه والدین، ۷۶/۸٪ از زبان مازندرانی و ۱۴/۸٪ از هر دو زبان استفاده می‌کنند. در نمودار ۳، این تفاوت نشان داده شده است. چنان‌که در نمودار مشهود است، پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی دو گروه والدین و فرزندان در مورد تعامل با زبان‌های فارسی و مازندرانی کاملاً در نقطه مقابل یک‌دیگر قرار دارد. کاربرد زبان فارسی در بین فرزندان زیاد و در بین والدین کم است. کاربرد زبان مازندرانی به عنوان زبان تعامل در بین گروه والدین زیاد و در بین فرزندان کم است. در انتخاب گزینه هر دو زبان، تفاوت چندانی بین والدین و فرزندان مشاهده نمی‌شود.



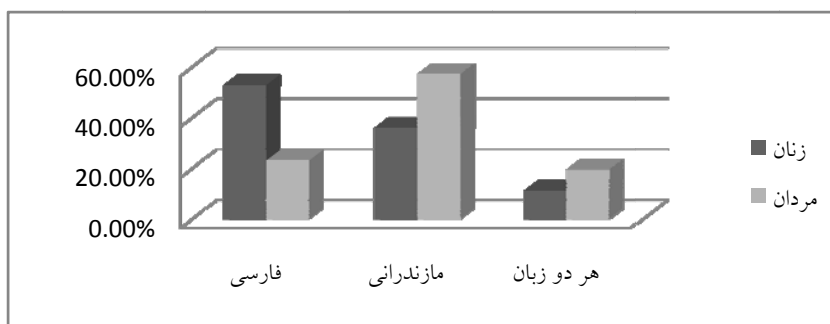
نمودار ۳. فراوانی پاسخ دو گروه والدین و فرزندان در مورد زبان تعامل در بافت‌های اجتماعی

### ۲.۳ تأثیر متغیر جنسیت بر کاربرد زبان‌های فارسی، مازندرانی و هر دو زبان

بررسی کاربرد زبان فارسی و مازندرانی در بین دو گروه زنان (مادران و دختران) و مردان (پدران و پسران) نشان می‌دهد که در حدود ۵۲/۸٪ زنان و ۲۳/۲٪ از مردان از زبان فارسی برای تعامل استفاده می‌کنند. در مقابل، در حدود ۵۷/۲٪ مردان و ۳۶٪ از زنان در بافت‌های اجتماعی مختلف از زبان مازندرانی استفاده می‌کنند. به عبارتی، گرایش به کاربرد زبان



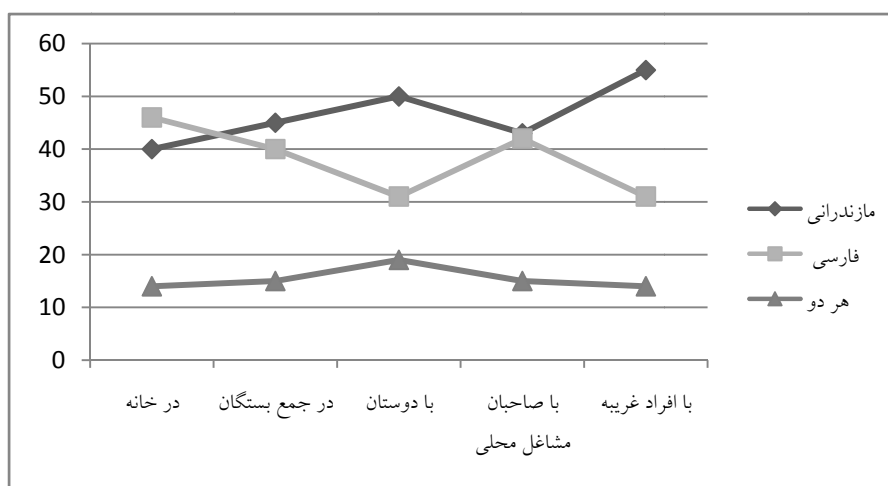
فارسی در بین زنان بسیار بیش‌تر از مردان است. ۱۱/۲٪ از زنان اذعان داشته‌اند که از هر دو زبان برای تعامل استفاده می‌کنند، این درصد برای گروه مردان برابر با ۱۹/۶٪ است.



نمودار ۴. درصد پاسخ‌های والدین درباره‌ی زبان تعامل در مجموع بافت‌ها به تفکیک جنسیت

### ۳.۳ تأثیر بافت بر کاربرد زبان فارسی، مازندرانی یا هر دو

بررسی کاربرد زبان‌های فارسی، مازندرانی و هر دو در بافت‌های مختلف، بدون در نظر گرفتن متغیر سن و جنسیت، در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کاربرد زبان مازندرانی در تعامل با فردی کاملاً غریبه بیش‌تر و در خانه کم‌تر از سایر بافت‌ها است. در عین حال، کاربرد زبان فارسی در خانه بیش‌تر و، در تعامل با دوستان و افراد غریبه، کم‌تر از بافت‌های دیگر است. کاربرد هر دو زبان در تعامل با دوستان بیش‌تر از سایر بافت‌ها است.



نمودار ۵. فراوانی کلی پاسخ‌ها درباره‌ی کاربرد زبان‌های فارسی، مازندرانی یا هر دو در بافت‌های اجتماعی

به این ترتیب، در نمونه مورد بررسی در شهر جویبار، زبان مازندرانی هنوز زبان اصلی تعامل در بین والدین است، در حالی که، کاربرد این زبان در بین فرزندان بسیار کاهش یافته و زبان فارسی زبان اصلی تعامل در بیش تر بافت‌ها معرفی شده است. هم‌چنین به نظر می‌رسد پدران، در مقایسه با مادران، و پسران، در مقایسه با دختران، بیش تر از زبان مازندرانی استفاده می‌کنند. بدین سان، می‌توان الگوی زیر را برای کاربرد این دو زبان ارائه داد:

فارسی: پدران > مادران > پسران > دختران

مازندرانی: پدران < مادران < پسران < دختران

### ۴.۳ تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار استنباطی

برای بررسی معناداری انتخاب زبان تعامل در هر یک از بافت‌ها توسط پسران، دختران، پدران و مادران، بالاترین تفاوت در بین توزیع تراکمی مشاهده شد و توزیع تراکمی مورد انتظار به صورت جداگانه محاسبه شد. با توجه به توزیع مستطیلی در آزمون کولموگروف - اسمیرنوف، در صورتی که مقدار به دست آمده از نقطه برش  $0/27$  در سطح  $\alpha=0/05$  بالاتر باشد، می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از زبان‌های مختلف معنادار است. برای بررسی معناداری تفاوت پسران و دختران، از یک سو، و هم‌چنین تفاوت بین پدران و مادران، از سوی دیگر، در انتخاب زبان تعامل در هر یک از بافت‌ها، تفاوت توزیع‌های تراکمی زبان‌های مختلف بر مبنای آزمون کولموگروف - اسمیرنوف محاسبه شد. در صورتی که تفاوت بین توزیع‌های تراکمی بیش تر از  $10$  باشد می‌توان نتیجه گرفت که متغیر جنسیت در انتخاب زبان در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار است. در عین حال، برای بررسی تأثیر متغیرهای جنسیت، سن و بافت در کاربرد هر یک از زبان‌ها در مجموع بافت‌ها از آزمون خی دو استفاده شده است. در ادامه نتایج شرح داده می‌شود.

جدول ۴. بررسی معناداری زبان تعامل والدین و فرزندان

در بافت‌های مختلف با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

بافت	آمودنی‌ها	فارسی	مازندرانی	هر دو
خانه (همسر، فرزندان، خواهر، برادر)	والدین	توزیع تراکمی پدران	۳	۲۵
		توزیع تراکمی مادران	۵	۲۵
		تفاوت توزیع تراکمی	۲	۰
		بالاترین تفاوت پدران	۰/۲۰	

* ۰/۲۸			بالاترین تفاوت مادران		
۲۵	۲۲	۱۶	توزیع تراکمی پسران	فرزندان	
۲۵	۲۳	۲۳	توزیع تراکمی دختران		
۰	۱	۷	تفاوت توزیع تراکمی		
* ۰/۳۲			بالاترین تفاوت پسران		
* ۰/۶			بالاترین تفاوت دختران		
<hr/>					
۲۵	۲۴	۲	توزیع تراکمی پدران	والدین	جمع بستگان
۲۵	۱۹	۱	توزیع تراکمی مادران		
۰	۵	۱	تفاوت توزیع تراکمی		
* ۰/۳۲			بالاترین تفاوت پدران		
* ۰/۲۸			بالاترین تفاوت مادران		
۲۵	۱۸	۱۳	توزیع تراکمی پسران	فرزندان	
۲۵	۲۴	۲۴	توزیع تراکمی دختران		
۰	۶	* ۱۱	تفاوت توزیع تراکمی		
۰/۲			بالاترین تفاوت پسران		
* ۰/۶۴			بالاترین تفاوت دختران		
<hr/>					
۲۵	۲۱	۰	توزیع تراکمی پدران	والدین	جمع دوستان
۲۵	۲۰	۱	توزیع تراکمی مادران		
۰	۱	۱	تفاوت توزیع تراکمی پدران و مادران		
* ۰/ ۳۲			بالاترین تفاوت پدران		
* ۰/ ۲۸			بالاترین تفاوت مادران		
۲۵	۱۵	۵	توزیع تراکمی پسران	فرزندان	
۲۵	۲۵	۲۵	توزیع تراکمی دختران		
۰	۱۰	* ۲۰	تفاوت توزیع تراکمی		
۰/۱۲			بالاترین تفاوت پسران		
* /۵۲			بالاترین تفاوت دختران		

۴۲ بررسی کاربرد زبان مازندرانی و فارسی در شهر جویبار

۲۵	۲۴	۱	توزیع تراکمی پدران	والدین	تعامل با صاحبان مشاغل محلی
۲۵	۲۰	۶	توزیع تراکمی مادران		
۰	۴	۵	تفاوت توزیع تراکمی پدران و مادران		
* ۰/۲۸			بالاترین تفاوت پدران		
۰/۱۶			بالاترین تفاوت مادران		
۲۵	۱۹	۱۱	توزیع تراکمی پسران	فرزندان	
۲۵	۲۵	۲۵	توزیع تراکمی دختران		
۰	۶	* ۱۴	تفاوت توزیع تراکمی پسران و دختران		
۰/۱۲			بالاترین تفاوت پسران		
* ۰/۶۸			بالاترین تفاوت دختران		
۲۵	۲۲	۱	توزیع تراکمی پدران	والدین	تعامل با افراد غریبه
۲۵	۲۳	۲	توزیع تراکمی مادران		
۰	۱	۱	تفاوت توزیع تراکمی پدران و مادران		
* ۰/۲۸			بالاترین تفاوت پدران		
* ۰/۲۸			بالاترین تفاوت مادران		
۲۵	۲۰	۷	توزیع تراکمی پسران	فرزندان	
۲۵	۲۱	۲۱	توزیع تراکمی دختران		
۰	۱	* ۱۴	تفاوت توزیع تراکمی پسران و دختران		
۰/۱۶			بالاترین تفاوت پسران		
* ۰/۵۲			بالاترین تفاوت دختران		

بررسی معناداری تفاوت زبان تعامل در خانه نشان می‌دهد که بیشترین تفاوت توزیع‌های تراکمی بین پدران و مادران ۳ است، بنابراین تفاوت پدران و مادران در زبان تعامل در خانه در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار نیست. در عین حال، بالاترین تفاوت به دست آمده در مورد زبان تعامل پدران در خانه ۰/۲۰ است که از نقطه برش ۰/۲۷ پایین‌تر است و در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار نیست. اما بالاترین تفاوت به دست آمده در مورد زبان تعامل

مادران در خانه ۰/۲۸ است که از نقطه برش ۰/۲۷ بالاتر و در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار است. در گروه دوم (پسران و دختران)، بیشترین تفاوت بین توزیع‌های تراکمی ۷ است که در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار نیست. بالاترین تفاوت به دست آمده در مورد زبان تعامل پسران در خانه ۰/۳۲ و دختران ۰/۶ است و در سطح  $\alpha=0/05$  معنادارند.

بررسی معناداری تفاوت زبان تعامل در جمع بستگان گویای آن است که بیشترین تفاوت بین توزیع‌های تراکمی بین پدران و مادران ۵ است؛ بنابراین، تفاوت پدران و مادران در زبان تعامل در جمع بستگان در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار نیست. از طرف دیگر، بالاترین تفاوت به دست آمده در مورد زبان تعامل پدران و مادران در جمع بستگان به ترتیب ۰/۳۲ و ۰/۲۸ است که از نقطه برش ۰/۲۷ بالاترند؛ بنابراین، در سطح  $\alpha=0/05$  معنادارند. بیشترین تفاوت توزیع‌های تراکمی بین پسران و دختران ۱۱ است؛ بنابراین، تفاوت پسران و دختران در زبان تعامل در جمع بستگان در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار است. از طرف دیگر، بالاترین تفاوت به دست آمده در مورد زبان تعامل پسران در جمع بستگان ۰/۲ است که از نقطه برش ۰/۲۷ پایین‌تر است و بنابراین در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار نیست. اما تفاوت به دست آمده در مورد زبان تعامل دختران در جمع بستگان ۰/۶۴ است که از نقطه برش ۰/۲۷ بالاتر و در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار است.

بررسی معناداری تفاوت زبان تعامل در جمع دوستان نشان می‌دهد که بیشترین تفاوت توزیع‌های تراکمی بین پدران و مادران ۱ است؛ بنابراین، تفاوت پدران و مادران در زبان تعامل در جمع دوستان در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار نیست. از طرف دیگر، بالاترین تفاوت به دست آمده در مورد زبان تعامل پدران و مادران، در جمع دوستان، به ترتیب ۰/۳۲ و ۰/۲۸ است که در سطح  $\alpha=0/05$  معنادارند. بیشترین تفاوت بین توزیع‌های تراکمی بین پسران و دختران ۲۰ است که در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار است. از طرف دیگر، بالاترین تفاوت به دست آمده در مورد زبان تعامل پسران در جمع دوستان ۰/۱۲ است که از نقطه برش ۰/۲۷ پایین‌تر است؛ بنابراین، در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار نیست. اما بالاترین تفاوت به دست آمده برای دختران ۰/۵۲ است که در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار می‌باشد.

بررسی معناداری تفاوت زبان تعامل با صاحبان مشاغل محلی در هر گروه نشان می‌دهد که بیشترین تفاوت توزیع‌های تراکمی بین پدران و مادران ۵ است؛ بنابراین، در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار نیست. از طرف دیگر، بالاترین تفاوت به دست آمده برای پدران ۰/۲۸ است که نشان می‌دهد اختلاف مشاهده‌شده در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار است. اما تفاوت به دست آمده در مورد زبان تعامل مادران با صاحبان مشاغل محلی ۰/۱۶ است که در سطح

$\alpha=0/05$  معنادار نیست. بیشترین تفاوت بین توزیع‌های تراکمی بین پسران و دختران ۱۴ است؛ بنابراین، در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار است. از طرف دیگر، بالاترین تفاوت به دست آمده در مورد زبان تعامل پسران با صاحبان مشاغل محلی ۰/۱۲ است که از نقطه برش ۰/۲۷ پایین‌تر است و در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار نیست. اما تفاوت به دست آمده در باره زبان تعامل دختران ۰/۶۸ است که در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار است.

بررسی معناداری تفاوت زبان تعامل با افراد غریبه در هر گروه گویای آن است که بیشترین تفاوت توزیع‌های تراکمی بین پدران و مادران ۱ است؛ بنابراین، تفاوت پدران و مادران در زبان تعامل با افراد غریبه در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار نیست. از طرف دیگر، بالاترین تفاوت به دست آمده در مورد زبان تعامل پدران با افراد غریبه ۰/۲۸ است که معناداری در سطح  $\alpha=0/05$  را نشان می‌دهد. اما بالاترین تفاوت به دست آمده در مورد مادران ۰/۱۶ است که نشان می‌دهد اختلاف مشاهده‌شده در استفاده مادران از زبان‌های مختلف (فارسی، مازندرانی، فارسی - مازندرانی)، هنگام تعامل با افراد غریبه، در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار نیست. بیشترین تفاوت توزیع‌های تراکمی بین پسران و دختران در زبان تعامل با افراد غریبه ۱۴ است که معناداری در سطح  $\alpha=0/05$  را نشان می‌دهد. از طرف دیگر، بالاترین تفاوت به دست آمده در مورد زبان تعامل پسران با افراد غریبه ۰/۱۶ است که از نقطه برش ۰/۲۷ پایین‌تر است و در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار نیست. اما تفاوت به دست آمده در باره زبان تعامل دختران با افراد غریبه ۰/۵۲ است که در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار است.

به منظور بررسی معناداری تأثیر متغیرهای جنسیت، سن، و بافت در کاربرد زبان‌های فارسی، مازندرانی و هر دو زبان، در مجموع داده‌ها از آزمون خی دو استفاده شده است. نتایج محاسبه مقدار خی دو برای هر زبان در گروه زنان و مردان، از یک سو، و والدین و فرزندان، از سوی دیگر، و نیز مقدار خی دو هر بافت در جدول‌های ۵، ۶ و ۷ خلاصه شده است. نتایج این آزمون آماری نشان می‌دهد که در نمونه مورد بررسی در این پژوهش تفاوت کاربرد این زبان‌ها، با توجه به جنسیت و سن، معنادار است ولی تفاوت کاربرد زبان‌ها، با توجه به بافت، معنادار نیست.

جدول ۵. مقدار خی دو کاربرد زبان‌های فارسی، مازندرانی و هر دو بین زنان و مردان در مجموع داده‌ها

زبان تعامل	فارسی	مازندرانی	هر دو
مقدار خی دو در بین مردان و زنان	۵/۷۲	۲۸/۸۲	۱۲/۰۵
سطح معناداری	$p \leq 0/001$	$p \leq 0/001$	$p \leq 0/05$

با توجه به این که درجه آزادی ۱ است، مقدار  $x^2$  در سطح  $p \leq 0.001$  زمانی معنادار است که برابر یا بیش تر از  $10/83$  باشد و در سطح  $p \leq 0.05$  مقدار  $x^2$  برابر یا بیش تر از  $3/84$  باشد. با توجه به مقدار  $x^2$  دو به دست آمده، تأثیر متغیر جنسیت بر کاربرد هر یک از زبان‌های فارسی، مازندرانی و هر دو در مجموع داده‌ها معنادار است.

جدول ۶. مقدار  $x^2$  دو کاربرد زبان فارسی، مازندرانی و هر دو بین والدین و فرزندان در مجموع داده‌ها

زبان تعامل	فارسی	مازندرانی	هر دو
مقدار $x^2$ دو بین والدین و فرزندان	۱۱۵/۲۸	۹۷/۸۵	۰/۱۱۶
سطح معناداری	$p \leq 0/001$	$p \leq 0/001$	معنادار نیست

با توجه به این که درجه آزادی ۱ است، مقدار  $x^2$  در سطح  $p \leq 0.001$  زمانی معنادار است که برابر یا بیش تر از  $10/83$  باشد و در سطح  $p \leq 0.05$  مقدار  $x^2$  برابر یا بیش تر از  $3/84$  باشد. با توجه به مقدار  $x^2$  دو به دست آمده، تفاوت کاربرد هر یک از زبان‌های فارسی، مازندرانی بین گروه والدین و فرزندان معنادار است ولی تفاوت کاربرد هر دو زبان بین این دو گروه معنادار نیست.

جدول ۷. مقدار  $x^2$  دو فراوانی کاربرد زبان‌های فارسی، مازندرانی و هر دو در بافت‌های مختلف

زبان در بافت	خانه	جمع بستگان	جمع دوستان با صاحبان مشاغل با افراد غریبه	مجموع	
$x^2$ دو (فارسی)	۰/۷۷۶	۰/۰۰۳	۲/۱۸۷	۰/۰۶۳	۲/۱۸۷
$x^2$ دو (مازندرانی)	۰/۹۳۴	۰/۰۵۴	۰/۲۴۸	۰/۲۷۸	۱/۵۱۴
$x^2$ دو (هر دو)	۰/۱۲۷	۰/۰۱۰	۰/۸۴۱	۰/۰۱۰	۰/۱۲۷

با توجه به این که درجه آزادی ۴ است، در صورتی که مقدار مجموع  $x^2$  دو بیش تر یا مساوی  $9/49$  باشد، تفاوت به دست آمده در سطح  $p \leq 0.05$  معنادار است؛ به این ترتیب، به طور کلی تفاوت کاربرد هر یک از زبان‌های فارسی، مازندرانی یا هر دو در بافت‌های مختلف معنادار نیست.

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا وضعیت کاربرد زبان فارسی و مازندرانی در شهر جویبار با توجه به دو متغیر جنسیت و سن در بافت‌های اجتماعی مختلف بررسی شود. نمونه مورد بررسی شامل دو گروه ۵۰ نفری از والدین (۲۵ مرد و ۲۵ زن)، با میانگین سنی ۳۹ سال، و

فرزندان (۲۵ پسر، ۲۵ دختر)، با میانگین سنی ۱۶ سال، است و پنج بافت تعاملی مورد بررسی عبارت‌اند از: خانه، جمع بستگان، جمع دوستان، صاحبان مشاغل محلی، و افراد غریبه.

بررسی پاسخ‌های ارائه‌شده نشان می‌دهد که به طور کلی گرایش به کاربرد زبان فارسی، در میان مادران بیش‌تر از پدران و در میان دختران بیش‌تر از پسران است. به گونه‌ای که ۱۱/۲ درصد از مادران و فقط ۵/۶ درصد از پدران زبان فارسی را زبان تعامل معرفی کرده‌اند. در مقابل، حدود ۸۱ درصد از پدران و ۷۲ درصد از مادران از زبان مازندرانی در بافت‌های مختلف استفاده می‌کنند. کاربرد هر دو زبان در گروه مادران بیش از گروه پدران است. در عین حال، در گروه فرزندان ۹۴/۴ درصد دختران و فقط ۴۰/۸ درصد از پسران بیان کرده‌اند که از زبان فارسی استفاده می‌کنند. به این ترتیب، اختلاف قابل ملاحظه‌ای بین پاسخ‌های دختران و پسران به چشم می‌خورد. در حالی که ۳۲/۸ درصد از پسران زبان مازندرانی را زبان تعامل معرفی کرده‌اند، کاربرد زبان مازندرانی در بافت‌های مختلف را هیچ یک از دختران گزارش نکرده است. کاربرد هر دو زبان نیز در بین پسران بیش‌تر از دختران گزارش شده است. به منظور بررسی تأثیر متغیر جنسیت بر کاربرد زبان در مجموع داده‌ها، با قرار دادن پدران و پسران در یک گروه و مادران و دختران در گروه دیگر وضعیت کاربرد زبان‌های فارسی، مازندرانی و هر دو در بین مردان و زنان بررسی شد. مقایسه فراوانی پاسخ‌ها نشان می‌دهد که ۲۳/۲ درصد مردان و ۵۲/۸ درصد زنان زبان فارسی را زبان تعامل معرفی کرده‌اند. در عین حال، کاربرد زبان مازندرانی و هر دو زبان در بین مردان بیش‌تر از زنان است، به گونه‌ای که حدود ۵۷ درصد مردان و ۳۶ درصد زنان بیان کرده‌اند که در بافت‌های مختلف از زبان مازندرانی استفاده می‌کنند.

به منظور ارزیابی معنادار بودن این تفاوت‌ها به لحاظ آماری، از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت بین پدران و مادران در کاربرد زبان در هیچ‌یک از بافت‌ها در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار نیست. ولی تفاوت بین دختران و پسران در همه بافت‌ها، به غیر از بافت خانه، در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار است. در عین حال، بررسی معنادار بودن تفاوت کاربرد زبان‌های فارسی، مازندرانی و هر دو زبان در بین پدران در همه بافت‌ها، به غیر از بافت خانه، و در بین مادران در همه بافت‌ها، به غیر از تعامل با صاحبان مشاغل محلی، در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار است. تفاوت کاربرد فارسی، مازندرانی و هر دو زبان در گروه پسران، به غیر از بافت خانه، در هیچ‌یک از بافت‌ها در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار نیست؛ در حالی که تفاوت زبان‌ها در گروه دختران در همه بافت‌ها در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار است.



بررسی تأثیر متغیر جنسیت در مجموع داده‌ها با استفاده از آزمون آماری خی‌دو نشان می‌دهد که تفاوت بین مردان و زنان در کاربرد زبان‌های فارسی و مازندرانی در سطح  $P \leq 0/001$  و در کاربرد هر دو زبان در سطح  $P \leq 0/05$  معنادار است. به این ترتیب، یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش ترادگیل (1972)، فیشر (1985) و لباو (1988) هم‌سو است و، در عین حال، با یافته‌های پژوهش ذوالفقاری (۱۳۷۶) و بشیرنژاد (۱۳۷۹) هم‌خوانی دارد.

به منظور بررسی تأثیر متغیر سن بر کاربرد زبان، پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی دو گروه والدین و فرزندان بررسی شد. نتایج گویای آن است که کاربرد زبان فارسی به طور قابل ملاحظه‌ای در گروه فرزندان بیش‌تر از گروه والدین است، به گونه‌ای که کاربرد زبان فارسی در فرزندان برابر با  $6/6$  درصد و در والدین  $4/8$  درصد است و، در حالی که  $8/7$  درصد از والدین بیان کرده‌اند که از زبان مازندرانی در تعامل استفاده می‌کنند، کاربرد مازندرانی بین فرزندان  $4/6$  درصد است. با هدف بررسی معناداری این تفاوت در کاربرد زبان در بین والدین و فرزندان از آزمون آماری خی‌دو استفاده شد و مشخص شد که تفاوت کاربرد فارسی و مازندرانی در بین والدین و فرزندان در سطح  $P \leq 0/001$  معنادار است ولی تفاوت کاربرد هر دو زبان در بین این دو گروه معنادار نیست.

با توجه به این‌که کاربرد زبان فارسی و مازندرانی در پنج بافت مختلف مطالعه شده است، تأثیر بافت بر زبان تعامل نیز با استفاده از آزمون آماری خی‌دو بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد که در نمونه مورد بررسی در این پژوهش تأثیر بافت بر کاربرد زبان معنادار نیست. با وجود این، با بررسی فراوانی پاسخ‌ها جالب توجه است که کاربرد زبان فارسی در بافت خانه بیش‌تر از سایر بافت‌ها است و کاربرد زبان مازندرانی در تعامل با افراد غریبه به حداکثر خود می‌رسد. در نهایت، شایان ذکر است که نتایج بررسی کاربرد زبان در نمونه مورد بررسی در این پژوهش قابل تعمیم به کل جامعه آماری نیست.

## پی‌نوشت‌ها

۱. با توجه به وجود اختلاف ساختاری، واژگانی و آوایی بین دو گونه مازندرانی و فارسی و نیز قابل فهم نبودن گونه مازندرانی از طرف فارسی‌زبانان، مازندرانی یک زبان است (هم‌چنین ← واسو جویباری، ۱۳۸۵: ۵۷؛ بشیرنژاد، ۱۳۷۹: ۱۲).
۲. هم‌چنین ← رضایی باغبیدی، ۱۳۸۰؛ *دائرة المعارف فارسی*، ۱۳۸۱: ۱۱۶۷، ذیل «زبان».

## منابع

- امام، عباس (۱۳۷۷). «جنبه‌هایی از تفاوت رفتار کلامی زن و مرد در ایران (یک طرح اولیه)»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ش ۴۶.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۷۹). «بررسی جای‌گاه و کاربرد زبان فارسی و مازندرانی در میان معلمان و دانش‌آموزان متوسطه شهرستان آمل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۸۳). «زبان‌های محلی ایران و خطر انقراض»، فرهنگ مردم ایران، ش ۵ و ۶. پاک‌نهاد، مریم (۱۳۸۱). *فراستی و فرودستی در زبان*، تهران: گام نو.
- ترادگیل، پیترا (۱۳۷۶). *درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه محمد طباطبائی، تهران: آگاه.
- دایرةالمعارف فارسی* (۱۳۸۱). به سرپرستی غلامحسین مصاحب، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- رجب‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۸۳). «برخورد زبانی میان فارسی و مازندرانی و ترکی در شهرستان گلوگاه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۰). «زبان‌های غیرایرانی»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- سیگل، سیدنی (۱۳۷۲). *آمار غیر پارامتری*، ترجمه یوسف کریمی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- شکری، گیتی (۱۳۷۴). *گویش ساری (مازندرانی)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عموزاده، محمد (۱۳۸۱). «هم‌گرایی و دوزبان‌گونی در گویش مازندرانی»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی*، س ۲، ش ۶ و ۷.
- فخرروحانی، محمدرضا (۱۳۷۵). «نفی در گونه شرقی گویش مازندرانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مشایخ، طاهره (۱۳۸۱). «بررسی کاربرد فارسی و گیلکی در میان دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی و والدین آن‌ها در شهر رشت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- واسو جویباری، خدیجه (۱۳۸۵). «بررسی تفاوت بین نسلی در کاربرد واژه‌های مازندرانی جویباری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ.
- Borjian, M. (2005). "Bilingualism in Mazandaran: Peaceful Coexistence with Persian", *Languages, Communities, and Education*, Vol. 2.
- Childs, Becky, Gerard Van Herk, and Jennifer Thorburn (2007). "The effects of urbanization and social orientation: Locally salient variables as indicators of linguistic change", Available online at <http://www/ling.upenn.edu/nwav/abstracts>.
- Fischer, John L. (1958). "Social influences on the choice of a linguistic variant", *Word*, 14.
- Frye, Richard N. (1975). *The Golden Age of Persia: The Arabs in the East*, London: Weidenfeld and Nicolson.

- Kerswill, Paul (2006). "Migration and language", in Klaus Mattheier, Ulrich Ammon and Peter Trudgill (eds.), *Sociolinguistics/Soziolinguistik, An international handbook of the science of language and society*, Vol. 3, Berlin: De Gruyter.
- Labov, W. (1988). "Some sociolinguistic principle", in ch. Bratl. Paulston and G. Richard Tucker (eds.), *Sociolinguistics: the Essential Reading*, Blackwell Publishing.
- Lakoff, R. T. (1973). "Language and Woman's Place", *Language in Society*, Vol. 2, No. 1, Cambridge University Press Stable URL: <http://www.jstor.org/stable/4166707>.
- Lakoff, R. T. (1975). *Language and woman's place*, Vol. 56, New York: Harper & Row.
- Lakoff, R. T. (2004). *Language and woman's place [electronic resource]: text and commentaries*, Vol. 3, Oxford University Press.
- Lewis, M. Paul (ed.) (2009). *Ethnologue: Languages of the World*, Dallas, Tex.: SIL International, Online version: <http://www.ethnologue.com>.
- Nemati, A. and J. M. Bayer (2007). "Gender Differences in the Use of Linguistic Forms in the Speech of Men and Women: A Comparative Study of Persian and English", *Language in India*, 7.
- Newman, M. L., C. J. Groom, L. D. Handelman, and J. W. Pennebaker (2008). "Gender differences in language use: An analysis of 14,000 text samples", *Discourse Processes*, 45 (3).
- Payne, John (1992). "Iranian Languages", *International Encyclopedia of Linguistics*, edited by William Bright, Oxford: Oxford University Press, Vol. 2.
- Trudgill, P. (1972). "Sex, covert prestige and linguistic change in the urban British English of Norwich", *Language in society*, 1(2).
- Wardhaugh, Ronald (1986). *An Introduction to Sociolinguistics*, Oxford: Blackwell.

